

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.
۱۰ فبروری ۲۰۱۴

در حاشیه، عالمان دین؟؟ بخش آخر



توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود
کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود
در صف حزب فقیران اغنیا کردند جای
این دو صف را کاملاً از هم جدا باید نمود
این بنای کهنه و پوسیده ویران گشته است
جای آن با طرح نو! از نو بنا باید نمود

تمام فلسفه اسلام روی نجاسات بنا شده، اگر پائین تنه را از آن حذف کنیم اسلام روی هم می غلطد و دیگر مفهومی

ندارد

صادق هدایت

مردم شریف و گرانمایه! ضرورت تاریخی بر هر فرد با ایمان، با وجدان و شریف است تا در باره آخوند، ملا و عالم دین هر چه می دانند بنویسند که باز هم کمتر از آن خواهد بود که باید نوشت، به صد ها و اگر مبالغه نشود هزاران موضوع است که از لجنزار افکار پوسیده و قرون وسطائی این فرزندان نا بکار، نفهم، بی وجدان، حيله گر و غلام منش استعمار جهانی بیرون شده و اذیت کننده مشام های پاک مردم ما می باشد و من غرض بیداری اذهان مسموم شده توده های شریف و زیر ستم سعی نموده و خواهم نمود تا سهم خود را ولو کوچک هم باشد، ادا نمایم؛ نوشته های قبلی ام همه شاهد و گواه بر این مدعا است

در نوشته های اخیر چند بخشی فقط با ذکر چند موضوع مختصر در چند قسمت اشاره داشتم تا اگر شود کسی از آنها یعنی عالمان دین و یا وابسته ها و یا هم خدمتگاران صادق شان شرافتمندانه (باوجودی که شاید توقع بجا و درست نباشد؟) پیش آمده و واضح و روشن با مردم صحبت دارند که متأسفانه تاحال نشانه ای از میل شان به اشتراک در همچو صحبت ها و ابراز دلیل و یا هم دلایلی عقلانی ندیدم.

خواننده عزیز! آن چند آیت و حدیث و فتوا را که در چند بخش قبلی نوشتم فقط به خاطر این بوده است تا توجه به مشکلاتی که ما مردم داریم شده و راه های حلی که دین و مذهب برای ما مطرح ساخته اند با آنها هم آشنا شویم و لازم است کمی فکر کنیم، مثلاً ابتداء باید غم، مصیبت و بلا هائی را که همین پولدار ها، زور گویان، جنایتکاران و خون آشامان زیر نام های (رفاقت و برادری) بر ما روا داشته اند بشماریم و ببینیم که آیا همه این غم و مصیبت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی پدیده های آسمانی هستند؟ و از طرف خدا بر ما نازل شده است و یا این که همین شرایط روی ملحوظات خاص و توسط یک تعداد خاین و بی وجدان به وجود آمده و خون ما را می مکند؟ اگر بعد بررسی هر مشکل خود البته با عقل و شعور نه احساساتی به این نتیجه رسیدیم که همه از آسمان بر ما نازل شده است؟ و شما هنوز هم معتقد هستید که کره زمین روی شاخ گاو- آنها از جنس داکتر نجیب- قرار دارد؟ و امثالهم؟ باید برویم و راه حل آن را هم در آسمانها بجوئیم، چون توانمندی نداریم تا به آسمانها رفته و الله را در عرش عظیمش به خدمت رسیده و عرض مشکلات داشته و ترحم و رحیمی شان را عاجزانه خواستار شویم!! و تازه آنوقت عربی هم بلد نیستیم!! چطور و به کدام زبان می توان همه چیز را گفت؟؟ چون الله زائیده تخیل ادیان ابراهیمی فعلاً جز لسان عربی (قبلاً قادر بود به **عبری هم صحبت نماید**) دیگر لسان هارا مخصوصاً به آن زبانی که بیچاره ها و مظلومان صحبت می دارند بلد نیستند!! چه کار کنیم؟؟ مجبوراً باید پناه ببریم به همین نماینده ها و همزبان های الله که سخن یکدیگر را بهتر و خوبتر می فهمند و اطاعت کنیم از آنچه ایشان می فرمایند و یا خواهند فرمود.

و اگر شرافتمندانه بعد از بررسی های کامل به این نتیجه رسیدید که این همه تضاد، بی عدالتی، ظلم و ستم موضوعاتی اجتماعی و پدیده های استعماری زمینی اند و الله هم - اگر باشد که نیست- مصروف کار های آسمانی می باشد و به همچو موضوعات اعتنای ندارد پس باید راه نجات و بیرون رفت از همچو معضله هائی را در اجتماع جست و جو نمود نه در دعا و چف و پف؟؟ و مزاحم الله!! نباید شد.

بیائید ازین هم ساده تر صحبت کنیم: اگر شما معتقد به جن هستید، اگر باور به تقدیر و سرنوشت ازلی دارید؟ اگر به این عقیده هستید که هیچ چیزی را نمی توانید تغییر دهید؟ و باید صبر کنید تا در آخرت یک چیزی به شما برسد، اگر باور دارید که شما هیچ اختیاری در هیچ موضوعی از خود ندارید و مثل یک کدی و آله دست هستید؟ اگر معتقد به جادو هستید؟ اگر فکر می کنید شما در مقابل تمام حوادث اجتماعی عاجز هستید و باید باشید چون اراده الله چنین است؟ اگر شما معتقد هستید که دعا، قرآن خواندن، مرده های اعراب رادر فکر مجسم نمودن و خواستار کمک شدن از آنها هستید؟ اگر فکر می کند عربی گفتن عالمان دین در حل مشکلات شما مؤثر است؟ و...؟

لازم نیست دنبال علم و دانش و مکتب بروید و در اوقات مریضی به داکتر مراجعه نمائید؟ و یا این که برای فهم

بیشتر به علوم امروزی مثل کیمیا، الجبر، بیولوژی، وسایر شاخه های ساینس و ... بپردازید؟ علم و دانش و فهم اجتماعی برای شما ضرورت نیست فقط قرآن را بدون معنی از یاد کنید، بنشینید و دعا کنید !!!!! فقط همین و بس ، خیلی ها هم ساده ، همه درد های تان دوا می شود، مشکلات تان رفع می گردد، روزی برای تان از آسمان می آید، یک بغل لم دهید و منتظر کرامات امام صادق و ... لشم الدین و پشم الدین باشید.

اما اگر فکر میکنید چرا بیکارید ؟ تحصیل ندارید ؟ انسان هستید اما خانه و سر پناه ندارید ؟ در جامعه ای که زندگی دارید حق انسانی ندارید ، چون مربوط به زحمتکشان هستید؟ می بینید طایفه ای روز به روز سر مایه دار تر می شوند و شما فقیر و فقیر تر؟ و ... پس لازم نیست علت های این اصول و قوانین را در آسمانها جست و جو کنید، فقط کفایت می کند از خود بپر سید؟ که چرا؟؟؟

اگر به جن و جادو عقیده ندارید ؟ به خرافات و مجهولات معتقد نیستید، کار شما جدا از هموطنان دیگر است که در پایان همین بحث با ارائه نظر خودم خواهم نوشت.

از این که هر کس می تواند باور مندی خود را داشته باشد لازم می افتد و انسانی خواهد بود این باور مندی ها را (چه خرافی و یا غیر آن باشد) با دیگر هموطنان و همزبانان شریک سازند تا با نظر داشت باور های همدیگر و صحبت ها پیرامون تمام باور مندی ها به نتایجی برسیم، اما این کار درستی نخواهد بود که ادعا شود (مثل عالمان دین) که هر چه من می گویم صحت دارد! و درست و انسانی است ؟ و بدون صحبت و جرو بحث باید باور مندی های من قبول شود، احترام گردد و بر من و پیشقراولان این ایده احترام و سجده به جای آورده شود ؟ این طرح نه تنها انسانی نخواهد بود بلکه خائنانه هم می باشد.

برای این که اعتقاد من من حیث یک شهروند فهمیده شود فقط شمه ای از باور مندی هایم را در قبال دین اسلام می نویسم:

از دیدگاه اسلام ! بردگی، غلامی و کنیزی جایز و مشروع است ، زن شیطان است و برای فریب دادن مرد آفریده شده است ، در زمان عادت ماهوار نجس است ، عقل کامل ندارد ، چند زن می تواند همسر یک مرد همزمان باشد ، مایه حقارت مرد است ، سرمایه شر و منحوس ترین موجود در زندگی مرد است ، ناقص العقل است ، زن هم تراز با حیوانات است ، وسیله ای است که خدا او را فقط برای ارضای غرایض شهوانی مرد آفریده است، استفاده از جسم شان به هر شکلی که مردان بخواهند جایز است، باید همیشه برای خدمتگذاری برای مرد آماده باشند ، **(استناد به آیات قرآن و احادیث محمدی)** برای خاطر زنان محمد حجاب بر آنها حتمی و فرض شده است، بقیه زنان باید از آن پیروی نمایند، هر زمان می تواند مرد او را طلاق دهد و زن حق پرسش و دلیل را ندارد ، مرد می تواند زن را بزند، می تواند او را سنگسار کند ، سر شان را ببرد ، می تواند آنها را مورد معامله قرار دهد ، زن کنیز مرد است ، زن اسیر است ، اگر مردی چه مسلمان و یا غیر مسلمان مورد تهاجم مسلمین زورگو و قدرت مند قرار گیرد ، کشته و یا اسیر شود زن او دیگر زن آزاد نیست، (گرچه قبلاً هم نبوده البته در حدود خانواده و اسارت شوهر) دیگر شرف و عزت ندارد ، عفت ندارد ، او کنیز است به دست مردان دیگر ، و در پناه خدا هم نیست ، همین زن آزاد بدون تغییرات در ساختمان فیزیکی اش تبدیل شده به کنیز و تجاوز بر وی حلال و شرعی است؟؟ **(آیات قرآن و احادیث محمد)**؟

این دین اسلام است که زنان را همیشه مطیع مردان می داند و زن در مقابل مرد اصلاً حقی ندارد ، این هدایت الله و محمد که می گفت از طرف او فرستاده شده است می باشد ، **احتیاط را مراعات کنید چون سر پیچی از چنین احکامی مرک را در پی دارد.**

اگر شما خوانندگان این نوشته کمی توجه فرمائید در قرآن سوره آل عمران زن را مساوی به حیوان پنداشته است. در این مورد شاید به میان آورنده قرآن از این که بعضی از حیوانات در چند ماهی و زنان در عادت های ماهانه شان

که خیلی ها هم طبیعی است از توانائی سکسی محروم می شوند شاید تشبیهاتی از این نکته شروع شده باشد ، در نتیجه جایگاه زنان همدریف با حیوانات در دین مبین اسلام تعریف شده است ، زن را نفهم ، نجس ، حیوان ، بیمار ، دانسته و در بعضی مواقع غذای تهیه شده دستش حرام است. این دین مبین اسلام است که چنین پنداری در مورد زن داشته است. دین مبارک اسلام دینی است که توجهی قابل ملاحظه در مورد زن به ارتباط سکس ارائه داده است.

الله اسلام، بخششی را به مردان لطف نموده که همانا لذت بردن از زنان در موقع ضرورت است ، و همین الله در تشریح بهشت خودش برای مردان از دخترکان بالغ و باکره صحبت می دارد که بعد از هر عمل جماع دو باره برای مرد باکره می گردد.

و مردان خرافات پسند و جاهل به فکر این که در آن دنیا همیشه با باکره ها سرو کارخواهد داشت ، و از لذت جنسی با آنها بر خور دار می شود زیر تأثیر چنین تفکر ابلهانه ای به سادگی و نفهمی تن به هر پستی و جنایت می دهند، شیوه و نظم انسانی را به شکل منفی آن بر هم می زنند تا به آن دخترکان برسند. **(عملیات انتحاری طالب یک نمونه)**

داکتر (علی وردی) در قسمتی از کتابش که به نام (وعاظ السلاطین) است می گوید:

انسانها ذاتا سکس را دوست دارند افراد جامعه اگر در هر موردی با یک دیگر هم رأی نباشند بر سر مسأله سکس هم عقیده اند) این خود نشاندهنده طرز تفکر مشخصی است (**این که این طرز برداشت و تفکر و اشاعه آن چقدر احمقانه است!! خوانندگان می توانند در آن باره قضاوت خود را داشته باشند؟**)

محمد خودش و عملکرد هایش همه بیانگری از واقعات تاریخی تلخ عقیده وی و سکسی است که همه بیرون شده از افکار او نشأت و زیر هدایت الله به مردمان بیرون داده است ، پیدایش و خلقت آسمانها ، زمین ، آفرینش آدم و حوا ، بهشت و دوزخ ، حرام و حلال بودن، ازدواج ، اصحاب کهف ، و تعداد زیادی از افسانه های کهن بابلیان، آشوریان، کلدانی ها ، و ... همه و همه بخش اعظمی از طرز تفکر و ادعای محمد در متون قرآن را تشکیل می دهند.

در بعضی از قسمت ها تفاوت های جزئی دیده می شود که شاید به خاطر عدم برداشت حافظه محمد از شنیدن داستان باشد اما در مجموع تکرار همان موضوعاتی است که در ادیان ابراهیمی قبل از محمد وجود داشته است و روی همین ملحوظ، حقوق برای زن در اسلام همان حقی است که در دین یهود می توان دید و همچنان در مسیحیت.

در این دین مبین تجاوز بر هر کس، در هر شرایط و چپاول و تاراج هستی کمزوران، شرعی، قانونی و اسلامی است به شرطی که **الله اکبر** گفته شود !!!!! این دین شمشیر بوده و است ؟

به ارتباط تمام این موضوعات عالمان دین و مفکوره شان از دو حالت خالی نیست ، یا این که نفهمیده و چرت انداز عالم دین شده اند ؟ و یا هم این که کسی و یا کسانی آنها را تشویق به عالم بودن در امور دینی نموده اند و زائیده شده از کمپنی های عالمان دین سازی می باشند.

اگر آنها خیالی و بیسوادانه و یا هم بر حسب تصادف چلی ، طالب ، ملا ، مولوی، آیت الله ، حجت الاسلام، داکتر دینی، پروفیسور دینی و... گردیده اند و یا هم از روی شوق و ذوق فقط تنها به خاطر مطرح بودن شان در جامعه به این شغل نا شریف رو کرده اند و دور از اندیشه های فاسد و استعماری فقط و فقط به خاطر این که بزرگ جلوه نمایند ، در صدر مجالس جای شان باشد ، و ابلهانی هم در مواقع لازم دست شان را ببوسند، اسلام، و دینی با این خشنی و کدورت را پذیرفته اند و نفهمیده آن را تبلیغ می دارند مهم نیست، اما حال که با حقایق غیر از آنچه تصور داشتند بر خورد می کنند باید شرافتمندانه قلم بر دارند و یا اگر توانائی نوشتن را ندارند برای نوشتن عقاید خود از نویسنده های قماش خود شان کمک گیرند و بنویسند آنچه حقایق است؟ و یا این که ایشان فکر می کنند حقایق است و ایشان به حق هستند ؟؟

اگر در طول عمر خود آنچه گفته اند به آن باور دارند و متقین هستند چرا ؟ صحبت نداشته و از آنچه مجموع عقاید شان را تشکیل می دهد دفاع نمی کنند ؟ و اگر آنچه به مردم تا حال گفته اند همه غرض آلود، گستاخانه، بی مسؤولیت و پوچ

بوده است چرا اینقدر شرف و اخلاق ندارند که به آن همه اعتراف داشته و به پیشگاه مردم تعظیم نموده و معذرت بخواهند ؟

اگر (مخفیانه) آله دست اجانب و استعمار گردیده اند هنوز هم دیر نشده تا در گفتار خود تجدید نظر نموده و شرافتمندانه اعتراف دارند؟؟ و آن دیگرانی که خود را آگاهانه عالم دین می گویند و با صد ها زنجیر به استعمار جهانی بسته اند و به آنها خدمت می نمایند، جلو رشد فکری مردم را می گیرند و ملتی را به قهقراء رهنمائی می دارند تصفیه حساب با آنها شکل دیگری خواهد داشت مگر این که از همه زباله هائی که در طول عمر خورده اند پشیمان و جلو تمام مردم توبه نمایند و رشته های مادی خود را با کمپنی های عالم دین سازی قطع نمایند (آیا چنین شرافتی را می توان در آنها سراغ کرد)؟؟

اگر نه چنین می کنند و نه چنان !! تو ای مسلمان خوش باور !! نباید در قبال همچو موضوعاتی که وابسته به شرف ، عزت، ناموس و سر نوشت خودت، مردمت و مملکت است بی طرف باشی!! و یا فکر کنی بی طرف هستی ؟ نه چنین نیست ! بی طرفی خودت همان طرف دفاع از استبداد فکری استعمار را نشان می دهد، شاید تو فکر کنی بی طرف هستی ؟ اما نیستی ! خاموشی ات در قبال موضوعات سرنوشت ساز انسانی دفاع از ظالم، استعمار و آنانی که سالها بر زندگی ، خون و شرف مردم بازی نموده اند، می باشد !! فلذا مفکوره این که در قبال موضوعات دینی و همچون صحبت ها بی طرف هستی مفهومی ندارد جز همکاری و خدمت با همین قشر زباله خور اعراب و بیگانه ها !! با خواندن همچون نوشته ها از دو حالت نمی توانی مبرا باشی !! یا موافق با همه نوشته های ضد آخوندی، دینی و اسلامی هستی و یا مخالف آن؟؟ در هر دو صورت آنچه بر داشت کرده ای! آنچه به نظرت معقول می آید همان را طرح کن ! بنویس ! سؤال کن ! و صحبت نما تا در پر تو همین صحبت ها بتوانیم به یک نتیجه خوب و انسانی برسیم و یا هم اگر روی هر ملحوظی مخالف باشی !! باز هم آزادانه و شرافتمندانه آنچه باورمندی هایت، عقایدت ، زندگی ات را تشکیل داده است طرح کن و صحبت نما ! هیچ کدام ازین صحبت ها به ضرر انسان نخواهد بود بلکه رهنما و روشنی خواهد بود در جهت رسیدن به حقایق زندگی بشری !!؟؟

هموطن ! بیا با هم لحظه ای با محبت صحبت داریم ، همدیگر را بپذیریم، به سخنان همدیگر گوش دهیم ، با حوصله مندی و فراخی ذهن ! به همدیگر توهین نکنیم، زبان را با احتیاط به سخن در آوریم، چرا نمی توانیم همدیگر را بپذیریم؟؟ مگر تو همان نیستی که من هستم؟؟ مگر من همان نیستم که تو هستی؟؟ با برداشت ها و اندیشه های جدا و مخالف؟ بنویس !! تا به هم روشن شویم! و بدانیم و همه بدانند که ما چه بودیم ؟ و چه هستیم؟ و چه خواهیم بود ؟ روشن نشدن این موضوعات به نفع استعمار و نوکرانش خواهد بود ؟ اگر من و تو ما شویم مثنی گره خورده را تشکیل و برای شکستن دهن استعمار ، ارتجاع و نوکران آن خواهیم بود؟ نه من و نه تو و نه هیچ کسی در جریانات امروزی وطن بی طرف نیست؟؟ بی طرفی خودش عملی است به نفع ستمگران ؟ به نفع زور گویان ؟ به نفع ارتجاع و استعمار جهانی؟؟

هموطن ببین بر چه روزی افتاده ایم؟؟ اضافه تر از ۴۶ کشور با قدرت جهانی امروز بر ناموس و شرف من و تو تجاوز داشته و خواسته ها و منافع خود را می پالند ؟ من و تو و مادران ، خواهران ، دختران و ناموس و شرف ما را نابود می کنند، من و تو بی تفاوت نشسته و شاهد این همه جنایت هستیم ؟ اگر توجه نکنیم به این معنی خواهد بود که از اجرای همچو اعمال جنایتکارانه نا راضی نبوده و همچنان از قیافه های جانوران دیگری به نام طالب و پیروان اسلام خوش ما می آید؟؟ چون اینها هر چه نباشد مسلمان اند و عالمان دین شان در تمام ساحات الله اکبر گویان مشغول کشتار آگاهان و دیگر اندیشان می باشند و نوکر های آنان با پیروی از روش محمد و هدایات اسلام ناب محمدی همه را به بم های انتحاری می بندند؟؟

من و تو!! دولت و حکومتی نداریم که از ما دفاع نماید؟ گردانندگان اداره کنونی شرف باخته های هستند که همه چیز را به کمک همین قشر مفت خور یعنی دکانداران دین در خدمت استعمار جهانی قرار داده اند؟ شرف و عزت آنها در ترازوی عدالت استعمار به دالر و یورو سنجش می شود!! برای آنها مهم تر از من و تو و شرف و عزت و ناموس وطن!!! دالر و یورو ارزشمند تر است؟ چرا به آنها دلخوش داشته باشیم؟؟ آنهایی که سالها مخصوصاً در ۴۰ سال اخیر همه چیز من و تو را گرفتند، کشتند، چپاول کردند، و همه چیز را به هم ریختند، و متأسفانه من و تو در خواب طولانی رفته و هیچ موضوعی را یا متوجه نیستیم و یا به آن ارزش قایل نبودیم؟ که درین صورت بدا به حال آدم های مثل من و تو؟؟

از طرف دیگر نوکر های زورمندان من و تو را به نام شعبیه، سنی، پشتون، تاجک، ازبک، ترکمن، هزاره و ... از هم دور ساخته و آنچه برای ما بر جای گذاشته اند همان اطاعت کورکورانه از این چاپلوسان شیوخ عرب، دولت بی عرضه و دست نشانده استعمار و مخصوصاً اطاعت از اوامر و هدایات چند جنایتکار به نام رهبر قومی و دینی؟؟ می باشد.

چه بد بخت انسانی!! که من و تو هستیم؟

آیا هرگز فکر نموده ای که: زمین دار! ظالم! سرمایه دار! دهشت افکن! و خوانوار هزاره، تاجک و پشتون و ... باهم فرقی دارند؟ نه!! ندارند، همه از یک قماشند، باور کن هموطن عزیز و خواب آلود من!! ما را در آتش نفاق می سوزانند تا بر ما سلطنت نمایند! و بر ما حکمروائی داشته باشند، و من و تو بی اندیشه، بی تفکر و بی سنجش!!! همه را می پذیریم که فلان ارباب و فلان شیخ و فلان عالم دین چنین گفت و چنان!! بدا به حال من و تو انسان های به خواب رفته، آخر هموطن تا کی بخوابیم؟ و منتظر معجزه باشیم؟؟

تا چه وقت منتظر کرامات شیخ پشم الدین و شیخ لشم الدین باشیم؟؟ تا آنها و یا مرده های اعراب تجاوز گر که بر نوامیس ما تجاوز و خون ها ریختند به داد ما برسند؟؟ تا چه وقت باید دست نیایش به در بار الله عرب بلند داریم؟؟ مگر او حال ما را نمی بیند؟ مگر او نمی داند که بر ما چه گذشته و می گذرد؟ اگر نمی داند؟ نباید چنین الهی را پرستش کنیم، و اگر می داند و کاری نمیکند باز هم نباید قابل پرستش باشد؟؟ چون من و تو از ۱۴۰۰ سال است که دست نیایش به در بارش بلند داشته ایم! دعا نموده صدقه داده و نماز خوانده ایم، حتی از پول حلال و یا حرام به هر قیمت و ارزشی که بوده به حج هم رفته ایم، بر قبر های آن بی وجدان ها و بیشرهای عربی که سر زمین ها را به تاراج بردند من حیث فرستادگان الله احترام داشته و حتی به قبر های آنها هم غرض حل مشکلات خود مراجعه کردیم؟؟، از این بالاتر چه باید کنیم؟؟ تا مورد تفقد این الله قرار گیریم؟؟؟؟؟؟

بیا هم وطن آنچه بر داشت داری، آنچه به آن ایمان داری، آنچه می دانی درست است با همه طرح کن؟ و با هموطنان خود صحبت نما؟ اگر با وجود تمام اینها نمی خواهی با من و امثال من صحبت نمائی، بدان خودت ارزش سخن گفتن را نداری؟ و نمی ارزی به این که کسی در راه آزادی تو جانش را بدهد؟؟

بیا با هم فریاد شویم، نعره شویم، عصیان گردیم، بسیج شویم، به پا خیزیم، طوفانی به وجود آریم، مشتی شویم و بر دهن استعمار بکوبیم، تا من تو نشوم و تو من! و هر دو ما!! دنیا به همین منوال خواهد بود، بستر نرم تفکر خیالی و غنوده در بستر اوهام، تن دادن به همه پستی ها! غلام بودن و کنیز بودن و شدن!! نمی دانم چرا و تا چه وقت!! این خواب گران است، من و تو افسون شده، جادو شده، هستیم، شخصیت ما، افکار ما، فرهنگ و غرور ما را از ما گرفته اند، بدون این که من و تو توجه داشته باشیم، چرا؟ برای این که از من و تو موجودات بی فهم، بی اراده و بی شخصیتی ساخته اند تا نتوانیم خود را درک و احساس اصلی خود را داشته باشیم، اما!! از من و تو می ترسند! به شرافقت که می ترسند، اما من و تو نمی دانیم کی هستیم و چه هستیم؟ و چه توانائی هائی داریم؟ بیا! به خود آی!

حرکت کن ، قدرت شو ، انرژی شو ، تحرک بیافرین ، موج شو ، طوفان شو و دنیای سراپا افسون ، جنایت ، خیانت و بی وجدانی این مردمان را فرو ریز ! و بر خرابه های آن جهانی از نو ، با انسانیت ، حقوق انسانی ، جهان آزاد ، فارغ از استثمار ، خارج از ظلم و تعدی بیا فرین ، **یک بار امتحان کن**.

با جمله ای از بزرگ مرد تاریخ و بنیان گذار اندیشه انقلابی توده ها این قسمت را خاتمه می بخشم.

این چه جامعه ای است که وسیله ای بهتر از جلااد برای دفاع از خود نمی شناسد؟؟

پایان

یادداشت:

در اخیر این محث می خواهم مراتب سپاس خود را از تمام گردانندگان این پورتال آزادگان (افغانستان آزاد - آزاد افغانستان) که زمینه بیرون شدن فریاد های گره خورده و نا گفته شده اشخاصی مثل من را فراهم و با ویراستاری و قبول زحمات ، نوشته هایم را قابل خواندن به دیگران ساخته اند و مشخصاً به استاد بزرگوار ، مبارز دلیر و دانشمند گرامی محترم موسوی ابراز می دارم.

منابع : کتاب مقدس - عهد قدیم و جدید - قرآن - مکارم الخلاق - اصول کافی - مستدرک الوسائل - سفینه البحار - بهشت جوانان - کنز العمال - وسائل الشیعه - کلم الطیب - خواص آیات قرآن - الصحیفة المهدیة - وسائل الشیعه - محجه البیضاء - تحفة الرضویة - ختم و انکار - گوهر شب چراغ - مخزن تعویذات - شمس المعارف الکبری - مفاتیح - رساله مجربات روحانیة حلیه المتقین - منتخب الختم - سیرت النبی - معراج نامه.